

## تفاوت مبانی در جرم‌شناسی حکومتی و حکومت جرم‌شناسی

(مقاله علمی - پژوهشی)

جلال طالبی\*

علی نجفی توانا\*\*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۸

### چکیده

قدرت در جوامع انسانی همواره در خدمت حکومت و در جهت پاسداشت و استقرار آن به کار گرفته شده است. بنابراین حکومت‌ها می‌توانند در این مسیر به پشتوانه اختیارات سیستماتیک، علوم مختلف را به خدمت گیرند تا در توجیه اعمال فشار بر لایه‌های مختلف اجتماعی از تئوری‌های گوناگون حاصل سال‌ها مطالعه، بررسی و آزمایش علوم مذکور، برخوردار گردند. با چنین رویکرد جرم‌شناسی که می‌تواند با آرمان اعتلای جامعه انسانی در رفع محدودیت‌های قراردادی دستوری و جرم‌انگاری‌های فرمایشی، به کار گرفته شود، با خوانشی متفاوت و در فرمان‌پذیری از حاکمیت، بسته به شرایط سیاسی - اجتماعی به عنوان ابزاری سرکوبگر برای کنترل یا هدایت هر حرکت مخالف به کار گرفته می‌شود. جایگاه علوم جزا، به ویژه جرم‌شناسی سبب می‌گردد برقراری عدالت‌کیفری به بستر اجرایی تئوری‌های جرم‌شناسی و تعهد نهادهای عامل و استقلال این نهادها تبدیل شود. ازین رهگذر جرم‌شناسی حکومتی پایدار می‌گردد که مبانی آن براساس توجه به انسان، نیازها و رفع کاستی‌های او حتی با وقوع جرم پایه‌ریزی نمی‌شود، بلکه براساس نهادی در خدمت قدرت برای برقراری و تداوم حاکمیت شکل می‌گیرد. چنان‌که جرم‌شناسی در تقابل مستقیم با نوع قدرت و حکومت معنا می‌گیرد یا جرم با انگیزه مذهبی در کشورهایی که با حکومت‌هایی بر اساس مذهب شکل گرفته‌اند، نمود می‌یابد.

### کلیدواژگان:

جرم‌شناسی، قدرت حاکم، جرم‌انگاری، ابزار قانونی.

\* دانشجوی دکتری حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی (نویسنده مسئول)

j\_taleby2004@yahoo.com

\*\* استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی

Najafi.tavani@gmail.com

## مقدمه

از میان تمامی پیشرفت‌های بشری، آنچه در حوزه علوم‌انسانی واقع می‌گردد، از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این میان، حقوق و اجزای آن با توجه به اثراتی که بر مبانی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... جامعه دارد، به ویتربینی برای نمایش و بیان تفکرات، باورها و میزان پایبندی مدعیان آن تبدیل شده است. از این‌رو، در همه جوامع انسانی برای درک میزان پیشرفت و پایبندی به اصول انسانی، به برخورد نهادهای مجری قانون با آحاد اجتماع و بالاخص متهمین و مجرمان توجه می‌شود که نوع تفکرات حقوقی حاکم بر جامعه و اثرگذاری آن بر میزان پیشرفت و مدنیت جامعه را بازمی‌نماید. ازین منظر است که می‌توان به عدالت جاری در لایه‌های متفاوت جامعه پی برد. با نگاهی به پیشینه جرم‌شناسی به عنوان پدیده‌ای ضروری برای گذار از رنج‌ها و آلام انسانی که گاه به ناحق و تنها با اعمال رفتارهایی خارج از چارچوب درست اقرار به جرم، فرایندی در راستای شناسایی شاخصه‌های جرم تلقی می‌گردد، پی می‌بریم که از همان آغاز، صاحبان قدرت و به طور خاص حکومت‌ها از جرم و به تبع آن کیفر، خوانشی متفاوت با خوانش عمومی جوامع مدنی و حقوق بشری داشته‌اند که بیشتر اوقات از این خوانش با عنوان حمایت از جامعه و مردم، به نگهداشت و پایداری حکومت خود اندیشیده و در این راه با توجیهاتی عامه‌پسند به ماهیت دستیابی به هدف با هر وسیله ممکن حتی مقدس‌انگاری، دست یازیده‌اند. در این رویکرد، گاه پایمال کردن حقوق و ستم بر دیگری با عناوین قانونی یا حمایتی روا می‌گردد؛ چنان‌که پس از یازده سپتامبر در زندان گوانتانامو شاهد بودیم بسیاری از متهمین پس از گذشت سال‌ها و تنها با ظن دخالت، متحمل انواع شکنجه‌های روحی، جسمی و روانی و با نیافتن مدارک متقن آزاد گردیده‌اند. در این مسیر برای پیشبرد اهداف و جلب افکار عمومی از مفاهیمی چون امنیت، آزادی، عدالت، دادخواهی، حفظ مرزها و تشویش اذهان عمومی بسیار استفاده شده و به این بهانه جنگ‌ها لازم و ضروری قلمداد شده است. با این مقدمه، در پی پاسخ به این سوال خواهیم بود که چگونه مفاهیمی مشابه قادر خواهند بود عناوین قانونی در حکومت جرم‌شناسی را به ابزاری در خدمت جرم‌شناسی حکومتی تبدیل نمایند.

## ۱. رویکرد مجرمانه

بی‌تردید هر پدیده جنایی با ناامن کردن جامعه، موجب استیلائی ترس بر مردم عادی، دغدغه امنیت اجتماعی و نیز به‌مخاطره افتادن نظم اجتماعی می‌گردد. از این رو نظام کیفری، مجموعه‌ای از نهادها و رفتارهای درست جامعه برای بیان واکنش علیه جرم و بزهکاری، مداخله می‌کند تا ضمن بازگرداندن امنیت از دست‌رفته و نظم از هم‌گسیخته اجتماع، آرامش خاطر را جایگزین ترس از جرم کند. حفظ آرامش همگانی در برابر بزهکاری و هدایت خشونت طبیعی انسان‌ها به راه‌های قانونی و مشروع، از اهدافی است که دولت‌ها با بهره‌برداری از نظام عدالت کیفری در رسیدن به آن می‌کوشند.

### ۱.۱. گستره جرم‌انگاری قانونی

نخستین کوشش قدرت‌عمومی، تعیین احکام است. اهمیت احکام، برخورداری از ضمانت اجرای کیفری را توجیه می‌کند که همان موضوع توصیف مجرمانه است؛ یعنی تعیین اوصاف افعالی که جامعه ارتکاب آن را تحمل و قبول نمی‌کند. مقنن نیز برای این‌گونه رفتارهای نابهنجار، ضمانت‌اجرای کیفری یا مجازات تعیین می‌کند که به فرایند جرم‌انگاری تعبیر می‌گردد. بدون شک، قانون‌گذار برای تشخیص نابهنجاری رفتاری و جرم‌انگاری آن، موظف به رعایت اصول و چارچوب‌ها خواهد بود. جرم‌شناسی به علمای حقوق جزا نشان داد که سرکوبگری صرف، موجب تعادل در جامعه نخواهد شد؛ بلکه طرق پیشگیری و غیرکیفری می‌تواند نظم اجتماعی را برقرار نماید و همچنین پیشنهاد می‌کند علاوه بر مجازات، تدابیر دیگری را نیز پیش‌بینی کنند. بنابراین به قاضی امکان می‌دهد بتواند بهترین پاسخ را از قانون استنباط و به عنوان ضمانت‌اجرا در مقابل بزهکاران اعمال نماید. این سیاست در چارچوب قانون و سیاست قضایی - کیفری جای نمی‌گیرد، بلکه در سیاست اجتماعی جامعه قرار می‌گیرد؛ سیاستی که علاوه بر ابزارهای قضایی به ابزارهای اجتماعی نیز به منظور جلوگیری از جرم متوسل می‌شود.

### ۱.۲. جایگاه اجتماع در مواجهه با پدیده جرم

آگاهی از نگرش مردم جامعه درباره جرم، از دیرباز در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف، مورد توجه فلاسفه حقوق کیفری، فلاسفه و محققان اجتماعی بوده است. از آنجا که معمولاً در یک جامعه درک اجتماعی یکسانی از میزان اهمیت، جدیت و شدت رفتارهای مختلف مجرمانه وجود ندارد،

نوع و میزان واکنش‌های اجتماعی در برابر جرایم نیز متفاوت است که ریشه‌یابی این تفاوت‌ها، مسئله‌ای قابل تأمل است.

جرم به عنوان رفتاری انحرافی، واکنش‌های گسترده‌ای را در جامعه برمی‌انگیزد و این واکنش‌ها به نوبه خود طیف وسیعی از ضمانت‌اجراها را در پی دارند که نظام کنترل اجتماعی رسمی و غیررسمی سعی می‌کند به وسیله آنها از میزان کجروی‌ها و ناپهنجاری‌های اجتماعی بکاهد تا هم‌نوایی در جامعه پایدار بماند.<sup>۱</sup> گیدنز در این زمینه می‌گوید: ضمانت‌های اجرای رسمی، معمولاً از ضمانت‌های اجرای غیررسمی برجسته‌تر و نمایان‌ترند، لیکن ضمانت‌های اجرای غیررسمی در تأمین هم‌نوایی نسبت به هنجارها اهمیت اساسی دارند.<sup>۲</sup>

ساختارهای اجتماعی، تفاوت‌های فرهنگی و دگرگونی‌های اجتماعی در میزان توجه و واکنش اجتماعی گروه‌های مختلف اجتماعی نسبت به جرایم از اهمیت زیادی برخوردارند. همان‌طور که بررسی تاریخی تحول اشکال مختلف کیفردهی و مقایسه نظام‌های کیفری جوامع مختلف نشان می‌دهد، مجازات و نظام‌های حقوقی مربوطه، بازنمودی از ساخت اجتماعی و فرهنگی جوامع در دوره‌های مختلف‌اند.<sup>۳</sup>

در پی وقوع تغییرات گسترده اجتماعی - اقتصادی در یک جامعه، انتظار می‌رود تحولات عمیقی در ارزش‌ها و نگرش‌های افراد نسبت به مسائل اتفاق افتد.

به نظر اینگهارت، حرکت از شرایط جانی و اقتصادی ناامن به سمت توسعه رفاهی و امنیتی، موجب ظهور ارزش‌های مرتبط با نیازهای مرتبه دوم یا عبور از ارزش‌های مادی و بقا به سوی ارزش‌های فرامادی مرتبط با کیفیت زندگی در نسل‌های جدیدتر خواهد شد که خود می‌تواند به تدریج قضاوت‌ها و نگرش افراد را نسبت به مسائل مختلف دگرگون سازد.<sup>۴</sup>

۱. جعفری، احمد، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با جدی‌انگاری جرم در بین دانشجویان دانشگاه تربیت معلم»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی کرج، ۱۳۸۹، ص ۱۸.

۲. گیدنز، آنتونی، **جامعه‌شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۵، ص ۱۵۲.

۳. ذبیحی، مینا و مریم قاضی‌نژاد، **نسل و جدی‌انگاری جرم**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۶، ۱۳۹۴، شماره ۱، صص ۱۲۳-۱۵۰.

۴. اینگهارت رونالد و پل آر آبرامسون، **امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی**، ترجمه شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش، ۱۳۷۸، شماره ۱۵-۱۴.

هنگامی که اعضای جامعه بیشتر تحت‌تأثیر هنجارهای جمعی و ارزش‌های اجتماعی قرار گیرند، به احتمال زیاد جرایم را نادرست یا غیراخلاقی در نظر می‌گیرند. بُعد دیگری از عمل مجرمانه که ارزیابی جدید جرایم را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، زیان‌بار یا آسیب‌زا بودن آن است.

### ۱.۳. جریان علمی در مواجهه با پدیده جرم

نگاه علمی به جرم با رویکرد کلاسیسیم در قرن هجدهم میلادی شروع شد. اندیشه روشنگری با این هدف که سرآغازی برای نظامی عقلانی در ایجاد تنبیه و کنترل باشد، پایه و بنیاد رویکرد کلاسیک در مورد جرم گردید. این رویکرد علاقه چندانی به بررسی عوامل جرم نداشت و به طور کلی بر ایجاد نظم تأکید داشت.<sup>۱</sup> در مرکز تفکر کلاسیک، ایده تنبیه قرار نداشت، بلکه تنبیه صرفاً می‌توانست بازدارنده (ترساننده) و متناسب باشد. تناسب به این معنا که شدت تنبیهات برابر با شدت صدمه ناشی از جرم باشد؛ به طوری که جرائم شدیدتر موجب اختصاص تنبیهات شدیدتر می‌گردید و نوع تنبیه همانند نوع جرم بود. در این رویکرد تنبیه باید ماهیتاً عمومی، فوری، ضروری و حداقل محتمل باشد و نیز با جرائم تناسب داشته، به وسیله قوانین دیکته شود.<sup>۲</sup> مدل کلاسیک برآمده از نوعی واکنش به سیستم کیفری و قانونی و سیستمی است که در سال‌های ۱۷۸۹ موجود بود و بر عقلانیت، اختیار و آزاد بودن انسان تأکید داشت. این مکتب به مطالعه مجرمین علاقه نداشت، بلکه مطالعه فرایند قانون‌گذاری و حقوقی در کانون توجه آن قرار داشت.

### ۱.۴. جریان قدرت در مواجهه با پدیده جرم

در رویکردهای انتقادی، جرم چیزی نیست که به شکل ساده‌ای بتوان با ارجاع به آنچه که هست یا نیست، آن را توصیف کرد. در واقع جرم یک رفتار ساده نقض قانون نیست، بلکه موضوعی است که از طریق فرایندهای تعامل واکنش اجتماعی و قدرت ساخته می‌شود. بنابراین عامل جرم نادیده گرفته می‌شود.<sup>۳</sup>

۱. پروین، ستار و سهیلا صادق فسایی، جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت، فصلنامه پژوهش حقوقی، سال سیزدهم، ۱۳۹۰، شماره ۳۳.

۲. همان.

۳. همان.

کوئینی معتقد است، جرم در نظام سرمایه‌داری دارای دو صورت اصلی است: ۱. جرائم طبقه کارگر؛ ۲. جرائم برگزیدگان. جرائم طبقه کارگر شامل جرائم مبتنی بر سازگاری و جرائم مربوط به مقاومت است. به عنوان مثال، در جرائم تجاوزکارانه سازگارانه، مجرمان پول را از قربانیان به دست می‌آورند. جرائم خشونت‌بار سازگارانه شامل آدمکشی، تجاوز جنسی و ضرب و جرح، استفاده خاص سرمایه‌داری را از وحشی‌گری نهادینه شده نشان می‌دهد. جرائم مقاومتی، واکنش‌های طبقه کارگری به استثمار اعمال شده توسط برگزیدگان است. این جرائم شامل جرائم غارتگرانه و خشن همراه با اهداف انقلابی و غیرانقلابی است.<sup>۱</sup>

کوئینی جرائم برگزیدگان را به سه نوع تقسیم می‌کند: ۱. جرائم سلطه و سرکوب به منظور حمایت از منافع برگزیدگان؛ ۲. جرائم کنترل مربوط به پلیس، نظام‌های قضایی و اصلاح و تربیت و ابزارهای کنترل؛ ۳. جرائم حکومت که هم پیچیده و هم مهم هستند؛ شامل اعمال مجرمانه‌ای که حکومت‌ها حقوق شهروندان را نادیده می‌گیرند. کوئینی در کتاب «تئوری واقعیت اجتماعی جرم» بر فرایندهای تعریف جرم تأکید می‌کند. از نظر او، ماهیت جرم در نظام سرمایه‌گذاری دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. جرم محصول و تولید قانون است.
  ۲. قانون‌گذاران تحت تأثیر قدرتمندترین بخش جامعه هستند.
  ۳. فعالیت‌هایی که در تعارض با منافع قدرتمندترین بخش جامعه هستند، احتمال بیشتری دارد که غیرقانونی معرفی شوند.
  ۴. برای بخش‌هایی از جامعه که در تولید قانون نقش ندارند، این احتمال زیاد وجود دارد که رفتارهای آنها به عنوان جرم تعریف شود.
  ۵. افرادی که رفتارهایشان به عنوان جرم تعریف شده است، خودشان را به عنوان مجرم می‌بینند.
  ۶. نهایتاً اینکه جرم یک واقعیت اجتماعی بر ساخته است و همسو با این نظرات، جان هاگن نیز روابط قدرت را محور جرم در نظر می‌گیرد.<sup>۲</sup>
- تئوری‌های جرم‌شناسی غالباً محلی، جزئی، تصادفی و تحت تأثیر قدرت هستند و نمی‌توانند حقیقت مطلق جرم را آشکار سازند. یکی از صاحب‌نظرانی که جرم‌شناسی مدرنیته را با نگاه پست

---

۱. همان.

۲. همان.

مدرنیستی به نقد می‌کشد، میشل فوکو است. وی با تحلیل گفتمان، در پس هر تئوری تبیینی از جرم، عنصر قدرت را می‌بیند. فوکو مخالف جرم‌شناسی است و به عنوان فیلسوف تاریخ ایده‌ها، در بسیاری از موارد ضد جرم‌شناسی بود.<sup>۱</sup> به نظر وی وظیفه کلی جرم‌شناسی واقعاً حل مسئله جرم نیست، بلکه برای رشد سازمان‌دهی قدرت و نظارت است. وی جرم‌شناسی را به عنوان گفتمانی در نظر می‌گیرد که نظارت و روابط قدرت را گسترش می‌دهد.<sup>۲</sup>

بنابراین جرم‌شناسی گفتمانی است که مجموعه‌ای از ایده‌ها و زبان‌ها، خود را درباره جرم به عنوان موضوع مورد مطالعه، مطرح می‌کند. از نظر فوکو، اساس مدرنیته بر کنترل و نظم‌دهی است. در آثار او مفهوم کنترل اجتماعی به عنوان وسیله‌ای مطرح می‌شود که از طریق آن عدالت تحلیلی می‌تواند با ابزارهای پیچیده و متناقض انجام شود که در نتیجه آن، نظم در جوامع دموکراتیک حاکم می‌شود.<sup>۳</sup> فوکو بر پیوند دانش و قدرت برای کنترل و انقیاد هر چه بیشتر روح و بدن آدمی در دنیای مدرن تأکید می‌کند. قدرت، دانش را تولید می‌کند. قدرت و دانش مستقیماً به یکدیگر دلالت دارند. نه مناسبات قدرتی بدون ایجاد حوزه‌ای از دانش همبسته با آن وجود دارد و نه دانشی که مستلزم مناسبات قدرت نباشد و در عین حال، مناسبات قدرت را پدید نیاورد.<sup>۴</sup>

عناصر اساسی بحث فوکو درباره جرم شامل موارد زیر است:

- تکنیک‌های کیفری و نظارت و مراقبت ابتدا در زندان شکل می‌گیرند و سپس به کل جامعه نفوذ می‌کند.
- تنبیه نه فقط به سوی بدن هدف‌گیری دارد، بلکه تربیت روح انسانی را نیز نشانه می‌گیرد.
- این تکنیک‌ها نه فقط به سوی مجرمان جهت‌گیری دارد، بلکه منحرفین از هنجارها را نیز شامل می‌شود.
- شبکه‌های انضباطی به عناصر هنجارمند، مشروع و طبیعی تبدیل می‌شوند.
- کنترل اجتماعی پراکنده، پنهان و گسترده است.

۱. همان.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

- کنترل اجتماعی نه فقط به شکل ساده از طریق دولت عملی می‌شود، بلکه از طریق استراتژی‌های دانش قدرت نیز اجرا می‌گردد. در نتیجه کنترل ممکن است فراگیر باشد، اما همیشه محتمل‌الوقوع است. کنترل، مقاومت را همانند انقیاد ایجاد می‌کند.<sup>۱</sup>

اساس ماهیت جرم که به شکل اجتماعی ساخته شده و به شکل گفتمانی شکل گرفته است، روابط نابرابر قدرت است. هنری و میلوانویچ بر عنصر قدرت تأکید زیادی دارند، جرم از نگاه آنها به عنوان «قدرت رد توانایی دیگران برای ایجاد تفاوت می‌باشد».<sup>۲</sup>

جرم به سلطه می‌انجامد، خواه به وسیله افراد خاص (مانند سارقان)، خواه به وسیله مجموعه‌های جمعی (مجرمین سازمان یافته) یا به وسیله دولت‌ها (برای مثال به عنوان کشتار جمعی). از این نگاه، منبع اصلی روابط آسیب‌زا از ساختارهای قدرت ناشی می‌شود، روابط نابرابر قدرت، موقعیت‌هایی را ایجاد می‌کند که جرم را به عنوان صدمه تعریف می‌نماید. بنابراین جرم، صدمه‌ای است که از انسان‌هایی که در روابط قدرت تولیدکننده صدمه، نیرو صرف می‌کنند، ناشی می‌شود و قربانیانی که از این جرائم آسیب می‌بینند، در روابط نابرابر قرار دارند. جرم‌شناسی تمرکز خود را به سوی صدمه‌ای می‌برد که متوجه قربانیان شده است و سعی می‌کند بین مجرم و قربانی ارتباط ایجاد کند.

### ۱.۵. دمکراسی در مواجهه با پدیده جرم

لافری از منظری متفاوت دانش جرم‌شناسی و تعاملی را که این علم می‌تواند با سایر علوم داشته باشد، مورد بررسی قرار می‌دهد.<sup>۳</sup> وی مبارزه برای امنیت، عدالت، توسعه و رشد اقتصادی را فصل مشترک تعاملی می‌داند که جرم‌شناسی و دموکراسی می‌توانند با هم داشته باشند. از نظر لافر، تأمین امنیت و نظم اجتماعی به همان اندازه که مهم‌ترین موضوعات مورد بحث دانش جرم‌شناسی هستند، به همان میزان هم شالوده و مبنایی برای دوام و بقای نهادهای مردم‌سالار و مدنی محسوب می‌گردند. وی معتقد است که در مقایسه با سایر نظام‌های سیاسی، دموکراسی تنها نظامی است که در آن محققین و اندیشمندان (خصوصاً جرم‌شناسان) می‌توانند آزادانه و به

۱. فوکو، میشل، *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جان‌دیده، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.

۲. همان.

۳. لافر، گاری، *جرم‌شناسی و دموکراسی*، ترجمه اسعد کردپور، دانشنامه حقوق و سیاست، ۱۳۹۱، شماره ۱۸.



دور از هرگونه تهدید و خطری به شیوه‌ای علمی در خصوص چگونگی تولد، رشد و تکوین پدیده‌های مجرمانه به تحقیق و بررسی بپردازند. از طرف دیگر، جرم‌شناسی را همچون علمی که می‌تواند با شناسایی و مقابله با عواملی که دوام، بقا و رشد جوامع دموکراتیک و مردم‌سالار را مورد تهدید و تعرض قرار می‌دهند، به مبارزه پرداخته، از این طریق راه رشد دموکراسی‌ها را هموارتر می‌نماید، معرفی می‌کند.

در نگاه اول اگر بخواهیم در چارچوب مبانی و اصول شناخته شده جرم‌شناسی به دنبال چنین رابطه‌ای باشیم، تصور این که جرم‌شناسی و دموکراسی ممکن است رابطه یا تعاملی با هم داشته باشند، دور از ذهن می‌نماید. در آغاز برای روشن‌تر شدن این قضیه باید به این نکته توجه داشت که معمولاً دموکراسی را در چارچوب یک کشور مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌دهند و جرم‌شناسی نیز علی‌رغم نشانه‌ها و دلائلی که دلالت بر حضور و ضرورت پرداختن به مباحث آن در سطح بین‌المللی وجود دارد، تاکنون نتوانسته است با این استدلال که لازمه و ضرورت وجودی این دانش انجام تحقیقاتی بین‌المللی و فرامنطقه‌ای است، برای خود جاهتی کسب نماید.

بنابراین، منظور از دموکراسی نه تنها انتخاب دولتمردان از طریق آرای اکثریت است، بلکه بنیان‌نهادن جامعه‌ای نیز می‌باشد که در آن شهروندان به مشارکت هر چه بیشتر در امور عام‌المنفعه، تحقق آزادی‌های عمومی و آموزش‌های مدنی ترغیب می‌شوند. بدین ترتیب، شاید بتوان گفت بدیهی‌ترین رابطه‌ای که می‌تواند بین دموکراسی و جرم‌شناسی وجود داشته باشد، این است که جرم‌شناسی به عنوان یک علم، برای شکوفایی و بالندگی نیازمند بستر و جامعه‌ای دموکرات و آزاداندیش است. موضوع دیگر قابل تأمل این است که هیچ‌گاه نباید بدیهی بودن این مسئله را حمل بر کم‌اهمیت بودن آن تلقی کرد.

جرم و نظم‌اجتماعی رابطه تنگاتنگی با دوام و ثبات دموکراسی‌ها دارند. به نظر می‌رسد که جرم و جنایت حداقل در سه عرصه می‌توانند نهادهای دموکراتیک را مورد تهدید قرار دهد: نخست آن که ارتکاب جرم در جامعه، اعتماد و اطمینان از اینکه در آینده ممکن است چه اتفاقی بیفتد را از بین می‌برد؛ همچنین امنیت اجتماعی موجود را در جامعه کاهش می‌دهد و نهایتاً این امر سبب می‌گردد مشروعیت نهادهای مردم‌سالار زیر سؤال برود.

دو دیگر، جرم شکاف‌های اجتماعی را که تهدیدی برای ثبات حکومت‌های دموکراتیک محسوب می‌شوند، بیشتر می‌کند. جرم در مقیاس وسیعی نابرابری‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و نابرابری‌های اقتصادی عملاً دموکراسی را به ورطه نابودی می‌کشاند. اشخاصی که بیشترین سرمایه‌ها و منابع را در اختیار دارند، به دلیل وحشتی که جرم در جامعه ایجاد کرده است، مجبور خواهند شد مناطق جرم‌خیز را ترک گویند.

سرمایه‌داران در مناطق جرم‌خیز هر روز بیش از روز دیگر در حفاظ‌های امنیتی محصور خواهند شد یا در حومه شهرها با به‌کارگیری سیستم‌های امنیتی مخصوص اسکان می‌گزینند و به هنگام حرکت و مسافرت به سوی ادارات و شرکت‌های خود از ماشین‌های با ایمنی بالا (ضد گلوله) و سایر حفاظ‌های امنیتی و پیشگیری‌کننده استفاده می‌کنند.

این تغییر وضعیت مشکلات مناطق جرم‌خیز را افزایش می‌دهد؛ تا آنجا که منجر به عمیق‌تر شدن شکاف بیشتر میان طبقات متمول و پردرآمد جامعه با سایر اقشار می‌گردد. این مسائل و دیگر مسائل مشابه آن روزبه‌روز فاصله میان کشورهای با آمار بالای جرائم و کشورهایی را که به نسبت جرائم کمتری در آن ارتکاب می‌یابد، بیشتر می‌کند. تا به آنجا که نابرابری‌های اقتصادی همراه با سایر شکاف‌های اجتماعی از قبیل مذهب و قبیله‌گرایی افزایش پیدا کرده، مشکلات را حادث‌تر می‌نماید. این تقسیمات و این شکاف‌ها اقداماتی را که به منظور تقویت و توسط نهادهای دموکراتیک انجام می‌گردد، با مشکل مواجه می‌سازد.

نکته سوم و آخر این است که افزایش میزان جرم در جامعه منجر به کاهش رشد اقتصادی و توسعه می‌شود که این امر نیز عملاً به مثابه تهدیدی برای ثبات نهادهای دموکراتیک است. جرم نه تنها سرمایه‌گذاری مستقیم را در جامعه با ناکامی مواجه می‌کند، بلکه ارتکاب زیاد جرائم و خشونت، منجر به افزایش هزینه‌هایی می‌شود که باید برای کنترل و جلوگیری از ارتکاب آن صرف شود.

عدالت و نظم اجتماعی به همان اندازه که از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث دانش جرم‌شناسی است، به همان میزان هم شالوده و مبنایی برای نهاد دموکراسی محسوب می‌گردد.

### ۱.۶. نقش مذهب در مواجهه با جرم‌انگاری

مدیریت آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایران به مراتب دشوارتر از جوامعی است که نظام ارزشی و هنجاری تفکیک‌شده‌ای دارند.<sup>۱</sup> زیرا در جوامع غیردینی لزوماً قوانین موضوعه مبتنی بر ارزش‌های مذهبی نیست و لذا ناکارآمدی هنجارهای اجتماعی از جمله قوانین و بازیگران نقش‌ها به ارزش‌های مذهبی ارتباطی پیدا نمی‌کند. ولی در ایران، چون قوانین مبتنی بر ارزش‌های مذهبی‌اند و این دو از هم تفکیک نشده‌اند، ناکارآمدی قوانین، یک مسئله ارزشی محسوب می‌شود. از آنجا که نظام کیفری ایران متأثر از احکام اسلامی است، جرم‌انگاری در حوزه ارزش‌های اساسی دین، به معنای بیان، اعلام و قانون‌گذاری کیفری درباره جرایم و مجازات‌های شرعی خواهد بود.

نگرانی جامعه درباره برخی از نارسایی‌ها و کمبودها در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، فرهنگ و اجتماع به گونه‌های مختلف، از جمله انعکاس وسیع و پردامنه در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و در جامعه نسبت به بروز و ظهور آسیب‌های اجتماعی حساسیت دارد و این قبیل مشکلات، همواره بخش مهمی از افکار و گفتمان عمومی جامعه را به خود اختصاص می‌دهد.<sup>۲</sup> با تمامی این اوصاف، در ایران با عنایت به عنصر اساسی سازمان‌دهنده نظام سیاسی که بر حول محور ارزش‌های دینی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی است، شیوع انحرافات اجتماعی و گسترده‌تر شدن آسیب‌های اجتماعی موجب نگرانی عمده نخبگان سیاسی و علمی جامعه می‌شود.<sup>۳</sup> لذا تصمیم‌گیری سریع، عقلانی و همه‌جانبه مسئولان امر می‌تواند کنترل و ترمیم زخم‌های ناشی از آسیب‌های اجتماعی را در پی داشته باشد. جرایم، اعمال و موقعیت‌های نامطلوبی است که اثر منفی بر کیفیت زندگی و مهم‌ترین ارزش‌های مورد توافق جامعه یا بخشی از آن دارد و با توجه به علل یا عواقب سوء اجتماعی آن مداخله اجتماعی برای اصلاح وضعیت موجود، کاهش و کنترل آن الزامی است. از این‌رو می‌توان مدیریت مسائل اجتماعی را به عنوان

۱. علیوردی نیا، اکبر، مدیریت پیشگیری از جرم در ایران، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۸.

۲. یوسفی، علی و حسین اکبری، تاملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت‌های مسائل اجتماعی ایران، مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۹۰، شماره ۱، ص ۱۹۶.

۳. محبوبی منش، حسین، تاملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به عنوان مساله اجتماعی، دانش انتظامی، سال سوم، ۱۳۸۵، شماره ۸، ص ۱۰.

فراگرد به‌کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام فکری هدفمند در راستای تغییر وضعیت‌های متعارض با ارزش‌های بخش قابل‌توجهی از شهروندان تعریف کرد. ادواردز، منتقد نگاه تقلیل‌گرایانه برای تحلیل سیاست‌گذاری‌های عرصه اجتماع است و اعتقاد دارد سیاست‌گذاری اجتماعی می‌تواند از دل جریان‌های اجتماعی بیرون بیاید. سیاست‌گذاری اجتماعی صحیح از منظر ادواردز برای مردم و در نسبت با مردم تعریف می‌شود؛ از این رو دولت‌ها نمی‌توانند در نگاهی یک‌جانبه‌نگرانه از سوی خود برای مردم تصمیم‌سازی کنند؛ چرا که این نوع تصمیم‌سازی‌ها ممکن است شکست را برای دولت‌ها در پی داشته باشد.<sup>۱</sup>

## ۲. جرم‌شناسی؛ هدف یا وسیله

با بررسی نمونه‌هایی از موضوعات حوزه‌های گوناگون، به تأثیر دانش جرم‌شناسی به عنوان ابزاری در دست حکومت‌ها در راستای تحقق خواست خود می‌پردازیم تا با تفاوت میان حکومت جرم‌شناسی و جرم‌شناسی حکومتی بیشتر آشنا شویم.

### ۲.۱. پوشش

در بسیاری از کشورها، حکومت برای پوشش شهروندان، مقرراتی وضع می‌کند که حدود آن به تناسب ارزش‌های حاکم بر آن جامعه متفاوت است.<sup>۲</sup> در ایران نیز مقررات جامعه بر اساس ارزش‌های اسلامی پذیرفته شده، وضع گردیده است. در اصل الزامی بودن پوشش مناسب برای شهروندان و حق دخالت دولت تردیدی نیست، بلکه سخن در چگونگی وضع این مقررات و روش برخورد با متخلفین است. ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ و به ویژه تبصره آن، در خصوص بدحجابی اقدام به جرم‌انگاری نموده است.

در ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ آمده است: «هر کس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید، علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر

۱. ذبیحی، مینا و مریم قاضی‌نژاد، پیشین.

۲. هاشمی، سیدحسین، نقدی بر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در جرم‌انگاری بدحجابی، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، ۱۳۸۶، شماره ۳۷.

نمی‌باشد ولی عفت عمومی را جریحه‌دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهد شد».

تبصره: زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.

با توجه به اینکه تبصره ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ بر اساس مبنای فقهی این ماده تنظیم شده است، بررسی مبانی فقهی این ماده می‌تواند مستقیماً در مشروعیت و اعتبار تبصره آن تأثیر داشته باشد. بر اساس این ماده، مرتکب هر عمل حرامی، در صورت ارتکاب علنی، تعزیر می‌شود. اما این سؤال مطرح است که اصل این دیدگاه تا چه اندازه مورد توجه فقهاست و بر فرض پذیرش این دیدگاه، مقصود از تعزیر چیست.

برخی فقها، از جمله مرحوم محقق اردبیلی، در اصل این حکم که هر عمل حرامی مستوجب تعزیر باشد، تردید نموده‌اند.<sup>۱</sup> همچنین فقهای معاصر معتقدند دلیل قابل اطمینانی بر اینکه مرتکب هر عمل حرامی (حتی مرتکب گناهان کبیره) مستحق تعزیر باشد، وجود ندارد.<sup>۲</sup> برخی از فقها نیز با فرض پذیرفتن اصل حکم، دامنه تعزیر را به گونه‌ای معنا کرده‌اند که شامل پند و اندرز، توبیخ و تهدید هم می‌شود.

با توجه به متن ماده درمی‌یابیم که قاعده جمع مجازات‌ها بر این ماده حاکم بوده، زیرا در صدر ماده آمده است:

«علاوه بر کیفر عمل، به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می‌گردد».

در این ماده، قید «کیفر عمل» شامل کیفر حدی و تعزیری است که هر دو فرض، از نظر فقهی و حقوقی اشکال دارد؛ زیرا از دیدگاه فقهی، جمع مجازات‌ها پذیرفته نیست. همچنین از نظر حقوقی نیز با اصول حقوق جزا و ماده ۱۳۱ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ که در این قبیل موارد، اشد مجازات‌ها را پذیرفته (نه جمع مجازات‌ها را)، منافات دارد. شهید ثانی در این باره می‌نویسد:

۱. اردبیلی، (مقدس) احمدین محمد، *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، جلد ۱۳، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق، ص ۱۷۶.

۲. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، *الدر المنصود فی احکام الحدود*، جلد ۲، تقریر علی کریمی جهرمی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق، صص ۲۹۷-۲۹۵.

«و من ارتکبها (ای المحرمات) غیر مستحل لها عزر إن لم یجب الحد کالزنا و الخمر و إلا دخل التعزیر فیه»<sup>۱</sup> بر اساس این دیدگاه فقهی، اگر برای عملی مجازات حد مقرر شده باشد، دیگر نمی‌توان به دلیل ارتکاب همان جرم، تعزیر نمود، بلکه تعزیر داخل در حد می‌شود. یعنی همان مجازات حد، کفایت می‌کند. عبارت فوق از نظر ارتکاب علنی و خصوصی هم مطلق است. در حالی که صدر ماده ۶۳۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۷۵ برای عمل حرام شرعی که در انظار عمومی صورت گیرد، در صورتی که نفس عمل دارای کیفر باشد، قاعده جمع مجازات‌ها را پذیرفته است و قطعاً فقها در عملی که کیفر حد داشته باشد، جمیع بین حد و تعزیر را جایز نمی‌دانند،<sup>۲</sup> مگر در موارد خاص که بیان شده است.

## ۲.۲. شکنجه

شکنجه از دیرباز به عنوان یکی از کوتاه‌ترین شیوه‌های نیل به مقصود، به ویژه در دادرسی‌های کیفری و به انگیزه اخذ اعتراف و یا انکار اعتقاد و ... مورد توجه ارباب قدرت بوده است.<sup>۳</sup> این اقدام در گذشته‌ای نه چندان دور، نه فقط فاقد وصف جزایی بوده، بلکه به صورت اقدامی مشروع و قانونی قلمداد می‌گردید، اگر چه ادیان الهی همواره بر ممنوعیت آن تأکید و تصریح داشته‌اند. حقوق عرفی متأثر از تلاش‌های نویسندگانی است که به ویژه از قرن هجدهم به بعد، به منظور اصلاح سیاست کیفری یا تعدیل ابزارهای سرکوبگر جزایی و حذف شکنجه قلم زده‌اند<sup>۴</sup> و این عمل غیرانسانی را از زمره اقدامات مشروع در فرایند رسیدگی‌های رسمی خارج ساخته و به تدریج به عنوان یک رفتار ممنوع در قوانین مختلف توصیف کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱. جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، *مسالك الافهام*، جلد ۹، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ ق، ص ۲۱۳.

۲. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، *تقریرات الحدود و التعزیرات*، چاپ سنگی، بی‌تا.

۳. کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ناشر ابن‌سینا و سپهر، چاپ دوم، بی‌تا.

Encyclopedia Britanica, 1998.

۴. بکاریا، سزار، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۶۸، ص ۶۲.

۵. صادقی، محمدهادی، *جرم شکنجه در حقوق ایران*، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، ۱۳۸۱، شماره ۱.

به علاوه، لزوم پاسخ‌گویی به انتظارات جامعه جهانی در خصوص رعایت حقوق بشر، مجامع بین‌المللی را از ابتدای قرن بیستم به اتخاذ تدابیر و تمهیداتی واداشته که به موجب آن ضمن طرح حقوق بشر به عنوان یک موضوع فراملی، ممنوعیت شکنجه در غالب میثاق‌های بین‌المللی را که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به رعایت و تضمین حقوق انسانی مربوط می‌شد، مورد تأکید قرار دهد.

از میان اسناد سازمان ملل متحد، قراردادها و میثاق‌هایی که به موضوع تحریم شکنجه پرداخته، متعدد است. از جمله می‌توان اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب دسامبر ۱۹۴۸ را نام برد که در ماده پنج خود بر ممنوعیت هر گونه شکنجه و دیگر رفتارها یا تنبیهات خشن غیرانسانی و وهن‌آمیز تصریح کرده است.

همچنین قراردادهای چهارگانه معروف به قراردادهای ژنو مصوب ۱۹۴۹ و دو پروتکل الحاقی به آن در سال ۱۹۷۷ درباره چگونگی رفتار با اسرای جنگی و شهروندان بیگانه، قرارداد بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد از دیگر مواردی است که در آنها منع تعذیب و شکنجه مورد توجه قرار گرفته است.

تلاش‌های بین‌المللی در راستای مبارزه با این جرم منجر به تصویب کنوانسیون‌ها و بیانیه‌های متعدد دیگری گردید که کشورهای عضو را ترغیب و ملزم به پایبندی به رعایت اصول حقوق بشر کرده است.<sup>۱</sup>

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد و میثاق بین‌المللی ۱۹۷۳ درباره ممنوعیت و مجازات جنایت آپارتاید و نیز مقررات مختلفی که در سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۵۷ در خصوص رفتار با زندانیان و بازداشت‌شدگان در شورای اقتصادی سازمان ملل متحد تصویب شده، از جمله این میثاق‌هاست.

به جز آنچه ذکر گردید، از مهم‌ترین کنوانسیون‌های بین‌المللی که به طور مشخص به موضوع شکنجه توجه کرده است، بیانیه شماره ۳۴۵۲-۳۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مصوب ۹ دسامبر ۱۹۷۵ در خصوص حمایت از اشخاص در برابر شکنجه، تنبیهات و رفتارهای خشن غیرانسانی یا موهن و همچنین معاهده منع شکنجه و دیگر رفتارها یا تنبیهات سخت غیرانسانی

۱. بولک، برنارد، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین ابرندآبادی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۲.

یا موهن مصوب ۱۰ دسامبر ۱۹۸۴ می‌باشد. ماده ۲ اعلامیه اخیر هر نوع شکنجه و اعمال آزاردهنده از قبیل رفتار یا تنبیهات خشن، غیرانسانی و خوارکننده را هتک کرامت انسانی قلمداد کرده، طی مواد متعددی که پس از آن آمده است، به دولت‌های عضو توصیه می‌نماید تا تدابیر مؤثری را به منظور جلوگیری از آزار و شکنجه معمول داشته، کارگزاران خود را در هر شرایطی به حسن رفتار و عدم ایدای دیگران مکلف سازند. همچنین در قوانین جزایی خود به طور مشخص شکنجه را توصیف مجرمانه کرده، آن را مستلزم کیفر شمارند و در حمایت از شکنجه‌دیدگان و ترمیم صدمات و آلام وارده، همه حقوق عادلانه آنان را در جریان رسیدگی‌های جزایی تضمین نمایند. قوانین اساسی کشورهای مختلف نیز معمولاً و به طور اصولی بر رعایت حقوق بشر تأکید دارد؛ هر چند ممنوعیت شکنجه در بسیاری از این قوانین به صراحت بیان نشده، این امر به طور ضمنی در بیشتر قوانین اساسی مورد توجه قرار گرفته است.

اگر چه تصریح قانون اساسی بر منع شکنجه در تضمین حقوق انسانی از اهمیت غیرقابل‌انکاری برخوردار است، معمولاً قوانین عادی درصدد جبران ضعف ناشی از فقدان نصی که در قانون اساسی به وضوح بر ممنوعیت شکنجه دلالت کند، بر آمدند.

شکنجه همیشه موجب حدوث جنایت نبوده، بلکه بسیاری از موارد بدون آنکه بر بدن مجنی‌علیه صدمه‌ای وارد آمده باشد، وی مورد ایذا و تعذیب واقع می‌گردد.<sup>۱</sup> در این صورت مجازات جرم منحصر به واکنش‌های تعزیری می‌باشد که در برابر فعل ارتكابی پیش‌بینی شده است. برخی از فقیهان اهل سنت، اگر چه بر نفوذ اقرار ناشی از شکنجه، در شرایطی خاص که شواهد موجود موجب یقین بر درستی اقرار «شکنجه‌دیده» است، نظر داده‌اند، صدمات وارده بر بدن وی را جنایت شمرده، موجب ضمان دانسته‌اند. زیرا ضرب و ایذای وی عدوانی و از روی ستم بوده است و بر اساس حکم خداوند (جل و جلاله) که می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوا عَلَيْهِ» مجنی‌علیه نیز هر چند مرتکب جرم شده باشد، نسبت به ضرباتی که بر او وارد آمده و متأثر از آن اقرار کرده است، حق قصاص می‌یابد.

۱. خوبی، سیدابوالقاسم، *الصوم - الاول*، قم: ناشر لطفی و دارالهادی، ۱۴۰۷؛ سرخسی، شمس‌الدین، *المبسوط*، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶.



به موجب این رأی، مجازاتی که به سبب اقرار وی در حال شکنجه به آن محکوم شده است، مسقط حق قصاص که در این راه و به سبب شکنجه دیدن برای وی ثابت شده است، نبوده و برابر قواعد به استیفای آن مبادرت ورزد.<sup>۱</sup>

چنانچه شکنجه به دستور دیگری واقع شود، قانون‌گذار آن را مستند به امر دانسته است. در حالی که اگر فعل مأمور به صدمات بدنی منجر گردد، جنایت حاصل به مباشر اسناد داده شده، امر نسبت به آن مسئولیتی نخواهد داشت و در نتیجه امر محکوم به مجازات شکنجه و مأمور ضامن دیه یا قصاص خواهد بود. اما در عمل، حتی با قبول تمام این کنوانسیون‌ها و میثاق‌ها توسط دولت‌ها می‌بینیم هر گاه حکومت‌ها از ناحیه فرد یا دسته و گروهی احساس خطر کنند، با بهانه حفظ امنیت و تمامیت ارضی ملی یا جهانی با دستگیری و شکنجه سعی در گرفتن اقرار و سپس مجازات افراد دارند. نمونه‌های فراوانی از زندان‌ها و شکنجه‌های آزادیخواهان در حکومت‌های دیکتاتوری همچون زندان‌های عراق، لیبی، بگرام افغانستان و گوانتانامو و... داریم.

### ۲.۳. تروریسم

موضوع اصلی حملات تروریستی، مهم‌ترین ارزش‌های جامعه انسانی و از جمله جان افراد بی‌گناه است. ضرورت برقراری امنیت اجتماعی و حفظ جان اشخاص از طبیعی‌ترین انتظارات جامعه است. تروریسم پدیده‌ای نوظهور نیست، بلکه شیوه‌های جدید ارتکاب آن، سازمان‌یافتگی و گسترش خطرهای آن برای امنیت اجتماع انسانی سبب شده ضمانت اجراهای سنتی موجود در حقوق کیفری در مقابله با این پدیده، ناکارآمد یا ناقص جلوه کند. منظور از جرم‌انگاری تروریسم، توصیف مجرمانه آن به صورت مستقل و متناسب با تحول مفهومی و مصداقی تروریسم است.<sup>۲</sup>

تروریسم با مفهوم جدید خود، پس از انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ میلادی مطرح شد. انقلابیون فرانسوی تروریسم را در فاصله زمانی سال‌های ۱۷۹۵-۱۷۸۹ به عنوان شیوه و روشی رسمی اعمال می‌کردند. ماکسیمیلیان روبسپیر، سن ژوست و سایر ژاکوبین‌ها در دوره‌ای از انقلاب کبیر فرانسه به عنوان خشن‌ترین جناح انقلابی قدرت را به دست گرفتند و با دایرکردن

۱. ابن حزم، *المحلی*، تحقیق احمد شاکر، بیروت: دارالفکر، بی‌تا، ۱۴۲/۱۱.

۲. حکیمی‌ها، سعید و محمدجعفر حبیب زاده، *ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران*، SID، ۱۳۸۵.

دادگاه‌های انقلابی و شبکه‌ای اطلاعاتی و جاسوسی و قتل، غارت، تبعید و مصادره اموال، جو ترس، ارباب، وحشت و دلهره را بر جامعه حاکم کردند. این دوره به حکومت ترور و وحشت مشهور شد. در این دوره ناامنی و وحشت سرتاسر فرانسه را فرا گرفت و هزاران نفر از مجموع دستگیرشدگان به وسیله دادگاه‌های انقلابی فرانسه به زیرگیوتین رفتند. در انعکاس همین وقایع به وسیله شورای امنیت سازمان ملل متحد تاکنون با صدور قطعنامه‌های متعدد نسبت به حوادث گوناگون تروریستی که در کشورهای مختلف به وقوع پیوسته، واکنش نشان داده شده است. این شورا ضمن محکوم کردن اقدامات تروریستی که تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی است، بر تعهد و همکاری دولت‌های عضو سازمان ملل متحد در مبارزه با تروریسم بین‌المللی نیز تأکید کرده است. مهم‌ترین آنها قطعنامه شماره ۱۳۷۳ در واکنش به حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر است که بر اساس فصل هفتم منشور ملل متحد به اتفاق آرا در ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ صادر شد.

از نکات مهم این قطعنامه، الزام کشورها در پیش‌بینی اقدامات تروریستی در قوانین و مقررات داخلی خود به عنوان جنایت مهم و در نظر گرفتن مجازات متناسب با شدت عملیات تروریستی است. در این قطعنامه، شورا از دولت‌ها خواهان عضویت سریع در اسناد بین‌المللی مربوط به مقابله با تروریسم، از جمله «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم» است. از آنجا که این قطعنامه حاوی نکات متعدد الزامی برای اعضای جامعه بین‌المللی است، بر اساس ماده ۲۸ مقررات داخلی شورا، کمیته‌ای به منظور نظارت بر حسن اجرای مفاد آن تأسیس شد. از این رو، دولت‌ها موظف به ارائه گزارش اقدامات خود در اجرای قطعنامه به کمیته مزبور شدند. دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون چهار گزارش از اقدامات خود، در مبارزه با تروریسم را به کمیته مبارزه با تروریسم شورای امنیت سازمان ملل متحد ارائه کرده است. کمیته مزبور به طور جدی پیگیر اجرای الزامات پیش‌بینی شده در قطعنامه به وسیله دولت‌هاست. در صورتی که شورای امنیت متوجه بی‌تفاوتی کشوری نسبت به تعهدات پیش‌بینی شده در قطعنامه مزبور شود، می‌تواند از اختیارات خود وفق ماده ۴۱ یا ۴۲ منشور برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی بهره گیرد.

همچنین تروریسم به استراتژی مداوم و سیستماتیک از خشونت که به وسیله دولت یا گروهی سیاسی علیه دولت یا گروه سیاسی دیگر در طول سلسله اعمال خشونت‌بار صورت

می‌پذیرد، تعریف شده است. هدف این اقدامات ایجاد حالت ترس و وحشت عمومی برای رسیدن به اهداف سیاسی است.

#### ۲.۴. محاربه

قانون‌گذار ایران در ماده ۲۷۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ در تعریف محاربه، قول مشهور فقهای امامیه را پذیرفته است. اما در تعیین مصادیق محاربه، سیاست کیفری مقنن با نظر غالب فقهای اسلامی هماهنگ نیست و با مفهومی که خود از محاربه در ماده مزبور بیان داشته است، مطابقت ندارد. زیرا از یک طرف با نادیده انگاشتن تمایزی که در فقه میان محاربه و بغی وجود دارد، در مواد ۲۸۶، ۲۸۷ و ۲۸۸ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مصادیق بغی را که مغایر با مفهوم محاربه مذکور در ماده ۲۷۹ است، محاربه می‌داند.

از طرف دیگر سیاست کیفری قانون‌گذار این است که به منظور پیشگیری از وقوع جرایم مهم علیه حاکمیت داخلی یا خارجی کشور و یا جرایمی که به جمهوری اسلامی ایران لطمه شدیدی وارد می‌کند و همچنین به منظور سرکوب عاملان آنها بتواند شدیدترین مجازات یعنی اعدام را برای مرتکبان در نظر بگیرد. قانون‌گذار برای خروج از محدودیت تعیین مجازات‌ها و برای رسیدن به مقصود خود که اعمال شدیدترین مجازات یعنی اعدام برای مرتکبان جرایم علیه حاکمیت جمهوری اسلامی است، اقدام به توسعه مصادیق جرم محاربه کرده است. همچنین مواردی را که با مفهوم محاربه و بغی مطابقت ندارد، در حکم محارب دانسته است.

#### ۲.۵. جرم سیاسی

بر اساس یکی از تقسیم‌بندی‌های بسیار مشهور در حقوق جزا، جرائم به دو دسته جرائم عمومی و سیاسی تقسیم‌بندی می‌شوند.<sup>۱</sup> جرم سیاسی اگر چه همزاد با تشکیل قدرت مرکزی و مقابله با آن به وجود آمده و همواره وجود داشته است، اما «نخستین بار در سال ۱۸۱۰ میلادی قانون جزایی فرانسه آن را به رسمیت (شناخت) ... و اندک‌اندک ... {این} تقسیم‌بندی به قوانین

۱. قاسمی، آرین، جرم سیاسی منفی، درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم سیاسی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، ۱۳۹۶، شماره ۲۰.

جزایی دیگر کشورها {نیز} راه یافت». <sup>۱</sup> از آن پس، بحث جرم‌سیاسی و «تعامل حقوق کیفری با مجرمین سیاسی از مقوله‌های مهمی واقع شد که در زمان‌های مختلف دارای مختصات متفاوتی بوده» <sup>۲</sup> و ادوار مختلفی را طی نموده است. در این میان، اگر چه اصل مفهوم «جرم سیاسی» مورد اتفاق حقوق‌دانان و اکثریت نظام‌های حقوقی است، در خصوص بازشناسی آن اختلاف‌نظرهای وسیعی را در بر گرفته است.

### ۲.۶. انگیزه دینی مجرمانه

جرم با انگیزه دینی، هرگونه رفتار مجرمانه‌ای است که انگیزه اصلی از ارتکاب آن، عمل به فرامین دینی یا پاسداری از حریم آن است که نه تنها مورد رضایت شارع نیست، بلکه از آنجا که ناشی از کج‌فهمی پیروان آن است، در نهایت مجرمانه خواهد بود. <sup>۳</sup> به علاوه، برخی افراد برای توجیه جرم خود، به بیان انگیزه‌ای صالح متوسل می‌شوند تا در ورای آن سوءنیت خود را مخفی دارند. پژوهش‌های انجام یافته در رابطه متقابل میان دین و جرم، بیشتر به این نکته پرداخته‌اند که دینداری چگونه باعث تقلیل ارتکاب جرم می‌شود و اینکه چرا در ایامی از سال، درصد ارتکاب جرایم کاهش می‌یابد، اما جرایمی نیز با انگیزه دینی وجود دارد. جرایمی که حجم قابل توجهی از ناهنجاری‌ها را در سراسر جهان، بالأخص در میان تکفیری‌ها، به خود اختصاص داده است. جرایمی مانند ترور پیروان سایر مذاهب یا ازبین‌بردن وسایل مذهبی ایشان که به عللی چون تمایل به ایجاد تغییر اساسی در جهان یا برتر دانستن تفکرات و افعالشان انجام می‌گیرند. مصداق دیگر از جرایم با انگیزه دینی، توهین است. توهینی که بزه‌دیدگان آن غالباً افرادی هستند که از مذهبی غیر از مذهب مرتکبان این جرم پیروی می‌کنند. توهین به شخصیت‌های مذهبی یکی از راهکارهای مخالفان یک مذهب برای تخریب چهره آن مذهب است. همچنین نشر اکاذیب در این راستا قرار می‌گیرد. نشر اکاذیبی که با انگیزه دینی صورت می‌گیرد؛ با انگیزه‌هایی چون تخریب وجهه مذهب دیگر، تخریب چهره شخصیت‌های برجسته مذهبی و

۱. محمدی جورکویه، علی، *مطالعه تطبیقی جرم سیاسی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، ص ۵.

۲. مجیدی، سید محمود، *جرایم علیه امنیت*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۲۵۱.

۳. جلالی، محمدرضا و سیدمحمود میرخلیلی، *تحلیل جرم شناسانه جرایم با انگیزه دینی*، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳۹۵، شماره ۲۸.

انحرافی نشان‌دادن اصل مذهب و آموزه‌های آن، از دور خارج کردن فرقه مذهبی رقیب، جذب پیروان بیشتر برای مذهب خود و ... صورت می‌گیرد. ذکر این نکته لازم است که جواز استفاده از وسیله نامشروع در راستای یک هدف مشروع، پدیده‌ای است مورد تروریسم مذهبی، و جرایم با انگیزه‌های مذهبی دام‌مرگباری است که بسیاری از کشورها و ملت‌ها را درگیر می‌کند، جان مردم را می‌ستاند، مدل‌های فرهنگی را نابود می‌کند و یک تهدید واقعی برای تکامل جهان محسوب می‌شود.

اغلب خشونت به عنوان راه‌حلی علیه مردم تلقی می‌شود. برخی از ما اراده‌ای برای به رسمیت شناختن و احترام گذاشتن به حقوق مدنی و اجتماعی صاحبان سایر ادیان و مذاهب و پیروان آنها را نداریم.

سابقه پیدایش جرایم با انگیزه‌های دینی به سابقه پیدایش ادیان است. جرایمی مانند ترور پیروان سایر ادیان و مذاهب، تخریب آثار مذهبی آنان، توهین به اعتقادات یکدیگر، سرقت وسایل مذهبی و ... که به منظور جواز استفاده از وسیله نامشروع در راستای یک هدف مشروع محقق می‌شوند. پدیده‌ای که مورد قبول هیچ یک از مذاهب الهی و آسمانی نیست. ذکر این نکته ضروری است که جرم‌زایی انگیزه‌های دینی متوجه مذاهب الهی نیست و ناشی از انحرافات مذهبی، آموزه‌های نادرست فرقه‌های مذهبی، برداشت‌های فردی از دین، عوامل سیاسی و ... است. یعنی همان چیزی که تحت عنوان دین باطل شناخته شده است. با توجه به این نوع از جرایم می‌توان گفت در واقع قربانی اصلی این جرایم، خود دین و مذهب است. در حکومت‌هایی که با انگیزه یا عنوان مذهبی شکل می‌گیرند، با تکیه بر مذهب حاکم و با دردست داشتن قانون، به اشکالی از جرم‌شناسی حکومتی برمی‌خوریم که دیگر نمی‌توان به سادگی بعضی قوانین و رویکرد آنها را زیر سوال برد؛ زیرا در آن صورت دلیل وجودی آن قانون که مذهب است، زیر سوال می‌رود.

## نتیجه‌گیری

از خلال موضوعات مطروحه می‌توان به این نتایج دست یافت که حقوق و به طور خاص حقوق جزا و مکاتب جرم‌شناسی از سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی بر نقش مخاطرات گسترده اجتماعی در برهم‌زدن معیارهای نظم‌عمومی و عناصر تأثیرگذار بر هم‌زیستی مسالمت‌آمیز توجه داشته‌اند. اگر چه جرم‌شناسی و تمامی فرایندهای حاکم بر آن از ایجاد، پیشرفت، گسترش و قبولاندن آن به جهان و نظام‌های حاکم، گامی در راستای اعتلای بشر و حقوق انسانی و کنترل و تحدید قدرت‌ها و حکومت‌هاست، ظرفیت تبدیل شدن به ابزاری را دارد که قدرت‌های حاکم با بهره‌گیری از آن تحت عنوان ملیت و تمامیت ارضی و... تمامی عوامل را در پاسداشت و نگهداشت خود به کار گیرند و با این بهانه به محدودساختن حقوق انسان‌ها، اقوام یا ملیت‌ها پرداخته، در تثبیت حکومت خود از هیچ عملی رویگردان نباشند تا هر صدایی جز صدای خود و طرفدارانشان را ساکت کنند.

متفکرین بسیاری با تلاش بی‌وقفه و تحقیقات و تبیین نظرات پیشرو در برقراری حکومت جرم‌شناسی کوشیده‌اند. طرح جهانی موضوعات در حوزه جرم‌شناسی و قبولاندن آن به حکومت‌ها گواهی است بر این مدعا که جرم‌شناسی نه یک دانش محض و محصور در کتاب‌ها و کلاس‌های دانشگاه، بلکه رویکردی است با هدف کمک به جامعه بشری تا در دنیای کنونی بتواند از حاکمیت نظرات شخصی و استبداد و دیکتاتوری حتی به بهانه قانونی بودن آنها جلوگیری کند.

ظهور مکاتب گوناگون جرم‌شناسی و روزآوری و نظریات جدید به درک جهانی، از ضرورت و لزوم وجود این دانش و تلاش بر پیشرفت و اعتلای این تفکر صحنه می‌گذارد. در واقع توجه و باور به کرامت والای انسانی و ایمان به حاکمیت عدالت و درستی، موجبات پیشرفت و حاکمیت جرم‌شناسی را در ادوار گوناگونش موجب می‌گردد. اگر چه خرد جمعی و ضرورت ملی همواره باور دارد برای پیشرفت یک ملت گاهی حقوق گروه‌هایی مورد تحدید واقع شود، جرم‌شناسی مانعی است برای کسانی که به بهانه‌هایی غیرواقعی و تنها به دلیل پابرجایی یک تفکر یا شخص یا گروه با توسل به جرم‌شناسی حکومتی تمامی قواعد حاکم در این حوزه را برهم ریخته، قواعدی خودساخته و تنها در راستای قدرت و حاکمیت تعدادی معدود را به نام و با ابزار قوانین موردی و ابداعی حاکم می‌سازند. گاه حتی شاید در ابتدا و یا در بخش‌هایی، به ظاهر محملی برای حاکمیت

قانون و برقراری و امنیت یک کشور باشد، اما به مرور و با قدرت‌گیری بیشتر پی می‌بریم قصد اصلی و ابتدایی، تنها محکم ساختن پایه‌های دیکتاتوری، یک‌صدایی و استبداد است.

باید امیدوار بود با توجه به روند شکل‌گیری و پایداری دانش جرم‌شناسی، همواره متفکرین در رشته‌های مختلف علوم همچون حقوق، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و... در راستای اعتلای انسانی و حرمت‌نهادن به آزادی با تحقیق و پژوهش و بررسی به برپایی حکومت جرم‌شناسی در دستگاه قضایی تلاش کنند. اگر چه در حال حاضر، جرم‌شناسی حکومتی است که به هر بهانه جایی برای بروز و ظهور می‌یابد، به‌خصوص در زمان کنونی که امنیت در ابعاد منطقه‌ای و جهانی به وسیله گروه‌هایی مورد تهدید واقع شده است.

توجه داشته باشیم که جرم‌شناسی حکومتی به خودی خود نمی‌تواند مذموم و ناپسند باشد؛ زیرا حکومت‌ها همواره نیازمند ابزاری قانونی در پیشبرد اهداف و اجرای برنامه‌های خود هستند. لیکن آنجا که جرم‌شناسی همچون تیغی در دست زنگی‌مست تبدیل به ابزاری قانونی برای تهدید، سرکوب، شکنجه، آزار و محدودساختن آزادی‌های فردی و اجتماعی فقط به دلیل اراده فرد یا گروهی که حاکم است، قرار می‌گیرد تا با ارباب و تهدید افراد را به اطاعت وادارد، نكوهیده است؛ همان جایی که جرم‌شناسی حکومتی از حکومت جرم‌شناسی فاصله می‌گیرد.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

## کتاب

۱. اردبیلی، محمدعلی، *حقوق جزای عمومی*، جلد ۱، تهران: نشر میزان، ۱۳۷۹.
۲. بکاریا، سزار، *رساله جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه محمد علی اردبیلی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول، ۱۳۶۸.
۳. بولک، برنارد، *کیفرشناسی*، ترجمه علی حسین ابرنآبادی، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۲.
۴. رضائیان، علی، *مبانی سازمان و مدیریت*، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۰.
۵. فوکو، میشل، *مراقبت و تنبیه: تولد زندان*، ترجمه نیکو سرخوش و افشین جان‌دیده، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸.
۶. کریستین سن، آرتور، *ایران در زمان ساسانیان*، ترجمه رشید یاسمی، تهران: ناشر ابن‌سینا و سپهر، چاپ دوم، بی‌تا.
۷. گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ هجدهم، ۱۳۸۵.
۸. مجیدی، سید محمود، *جرایم علیه امنیت*، تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶.
۹. محمدی جورکویه، علی، *مطالعه تطبیقی جرم‌شناسی*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳.
۱۰. والد، جرج و دیگران، *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۰.

## مقاله

۱۱. اینگه‌هارت رونالد و پل آر آبرامسون، *امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی*، ترجمه شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش، ۱۳۷۸، شماره ۱۵-۱۴.
۱۲. آقا بابایی، حسین، *گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرایم علیه امنیت ملت و دولت*، مجله فقه و حقوق، سال دوم، تابستان ۱۳۸۴.
۱۳. پروین، ستار و سهیلا صادق فسایی، *جرم: برساخته ذهنیت، گفتمان و قدرت*، فصلنامه پژوهش حقوق، سال سیزدهم، ۱۳۹۰، شماره ۳۳.



۱۴. ثابتی پور، بهزاد، **مکاتب و قلمرو جرم‌شناسی**، فصلنامه علمی-حقوقی قانون یار، دوره دوم، ۱۳۹۷، شماره ۷.
۱۵. جلالی، محمدرضا و سیدمحمود میرخلیلی، **تحلیل جرم‌شناسانه جرایم با انگیزه دینی**، فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ۱۳۹۵، شماره ۲۸.
۱۶. ذبیحی، مینا و مریم قاضی‌نژاد، **نسل و جدی‌انگاری جرم**، مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ششم، ۱۳۹۴، شماره ۱.
۱۷. صادقی، محمدهادی، **جرم شکنجه در حقوق ایران**، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره نوزدهم، ۱۳۸۱، شماره ۱.
۱۸. علیوردی نیا، اکبر، **مدیریت پیشگیری از جرم در ایران**، فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان، سال دوم، ۱۳۹۳، شماره ۸.
۱۹. قاسمی، آرین، **جرم سیاسی منفی، درآمدی بر نگرشی نو به معنای جرم سیاسی**، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، ۱۳۹۶، شماره ۲۰.
۲۰. لافری، گاری، **جرم‌شناسی و دموکراسی**، ترجمه اسعد کردپور، دانشنامه حقوق و سیاست، ۱۳۹۱، شماره ۱۸.
۲۱. محبوبی منش، حسین، **تأملی کوتاه درباره آسیب‌های اجتماعی به عنوان مساله اجتماعی**، دانش انتظامی، سال سوم، ۱۳۸۵، شماره ۸، صص ۳۱-۹.
۲۲. هاشمی، سیدحسین، **نقدی بر ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در جرم انگاری بدحجابی**، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، ۱۳۸۶، شماره ۳۷.
۲۳. یوسفی، علی و حسین اکبری، **تاملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت‌های مسائل اجتماعی ایران**، مسائل اجتماعی ایران، ۱۳۹۰، شماره ۱، صص ۱۹۵-۲۲۳.
۲۴. منصورآبادی، عباس و شهرام ابراهیمی، **تحولات مدیریت پیشگیری از جرم**، مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۳۸۷، شماره ۸.

## پایان نامه

۲۵. جعفری، احمد، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با جدی‌انگاری جرم در بین دانشجویان دانشگاه تربیت معلم»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی کرج، ۱۳۸۹.

## منبع الکترونیک

۲۶. حکیمی‌ها، سعید و محمدجعفر حبیب زاده، **ضرورت جرم‌انگاری تروریسم در حقوق کیفری ایران**، Archive of SID، ۱۳۸۵.

۲۷. محمود جانکی، محمود، **امنیت و ناآمنی از دیدگاه سیاست جنایی**، قابل دسترسی در: بانک اطلاعات قوانین کشور، دادگستری استان تهران، در [www.Ghavanin.com](http://www.Ghavanin.com)

## ب) منابع عربی

## کتاب

۲۶. ابن حزم، **المحلی**، تحقیق احمد شاکر، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
۲۷. اردبیلی، (مقدس) احمدبن محمد، **مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان**، جلد ۱، قم: موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ ق.
۲۸. جبعی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن علی، **مسالك الافهام**، جلد ۱، قم: مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. خویی، سیدابوالقاسم، **الصوم - الاول**، قم: ناشر لطفی و دارالهادی، ۱۴۰۷.
۳۰. سرخسی، شمس‌الدین، **المبسوط**، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۰۶.
۳۱. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، **الدر المنضود فی احکام الحدود**، جلد ۱، تقریر علی کریمی جهرمی، قم: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. موسوی گلپایگانی، سیدمحمد رضا، **تقریرات الحدود و التعزیرات**، چاپ سنگی، بی‌تا.